



صفر، سهم پرسپولیس از قهرمانی

پرسپولیس برای چهارمین بار قهرمان لیگ برتر شد اما چنین اتفاقی - پوکر - چه حجمی از درآمدزایی را در فوتبال حرفه‌ای برای یک باشگاه می‌آورد؟ در اقتصاد ورزشسته فوتبال ایران سهم باشگاه‌ها از موفقیت و قهرمانی صفر است و در این فوتبال زیان‌ده تیم قهرمان چهارساله که نصیبی از درآمدزایی در فوتبال ندارد. ۴ قهرمانی بی‌درپی چقدر پرسپولیس را متمول کرد؟ ۴ سال قهرمانی با ۴ سال ناکامی چه تفاوت اقتصادی در ایران دارند؟ پرونده امروز به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد.

درباره نشان تجاری پرسپولیس بعد از ۴ قهرمانی پیاپی

موفق‌ترین و بدهکارترین باشگاه تاریخ لیگ

فرشاد کاس نژاد @Farshadcasnejad



گلاویز با اقتصاد ورزشسته

جنگ خونین بر سر صفر دلار جایزه

سام ستارزاده



دهد تا رفتار مالی باشگاه‌ها تغییر کند. قهرمان ۴ فصل بی‌درپی در فوتبال ایران آنچنان از رفتار مالی خود آسیب دیده که یکی از بی‌تعهدترین باشگاه‌های ایران در پرداخت دستمزد است و حتی دستمزد سرمربی خود را که آجر روی آجر گذاشت و این قهرمانی‌ها را ساخت، پرداخت نمی‌کند. وقتی حکایت قهرمان ۴ ساله فوتبال ایران این باشد، ببینیم تیم‌های دیگر چگونه روزگاری گذرانند. پرسپولیس با همین روش‌های عجیب و غریب و با فالو و آنفالو کردن در اینستاگرام و هشتک بازی درآمدی را به دست می‌آورد، درآمدی بحث‌برانگیز که در شأن نشان تجاری قهرمان ۴ ساله لیگ برتر نیست. بسیاری تیم‌های دیگر همین فرصت‌ها را نیز ندارند و زودتر و بیشتر باور شکستگی مواجهند. در این فوتبال اما سابقه قهرمانی، شرکت در مسابقه و ورزشکستگی است. هزینه بیشتر برای قهرمانی بیشتر و هم‌زمان برای ورزشکستگی بیشتر. تیمی که با ۴ قهرمانی پی‌درپی فقط به‌دبی هایش افزوده شده، چطور می‌خواهد در بورس با موفقیت هایش ارزش خود را بیشتر کند؟ وقتی از ورود استقلال و پرسپولیس به بورس حرف می‌زنید، پیش‌تر باید رفتار مالی این دو باشگاه را اصلاح کرده باشید، نه اینکه دور شکسته را به پنهان‌دور زشگاه به نام خود دارند - که در همان نیز تردید وجود دارد - در بورس رها کنید، بابا وعده‌های کشدار و بی‌پایه درباره خصوصی‌سازی حرف بزنید. پرسپولیس موفق‌ترین باشگاه تاریخ لیگ برتر و بدهکارترین باشگاه تاریخ لیگ برتر است. این تضاد عجیب، وضعیت فوتبال ایران را تصویر می‌کند، تصویری ناامیدکننده برای اقتصاد فوتبال ایران.

قهرمان شدن یا قهرمان نشدن چقدر در فوتبال ایران تفاوت اقتصادی دارد؟ تیم قهرمان چه فرصت‌هایی را به دست می‌آورد و چقدر درآمد بیشتری خواهد داشت؟ پرسپولیس از قدرت گرفتن نشان تجاری خود در ۴ سال اخیر چقدر بهره‌مند شده است؟ سؤال مهم‌تر اینکه پرسپولیس در ۴ سال اخیر چقدر به یک باشگاه متمول نزدیک شده؟ بدهکارتر از گذشته است یا متمول؟ پرسپولیس ۴ قهرمانی پی‌درپی به دست آورده اما به دو مریخی خارجی خود در این ۴ سال بدهکار است، به دستیاران آن‌ها بدهکار است، به بازیکنان خارجی و خریدهای بی‌حاصل خود بدهکار است و توان پرداخت این بدهی‌ها را ندارد. شکایت هابرسپولیس را بی‌جان کرده‌اند، پرسپولیس در وضعیتی است که در واقع هر لحظه شاید مجبور حرف‌های ابله باشد، اگر قدرسیون فوتبال به مماشات خطرناک خود با تیم‌های بدهکار ادامه ندهد. پرسپولیس همین حالا از ۳ پنجره نقل و انتقالات محروم است و چون می‌داند باید پرداخت بدهی پنجره‌ها را می‌شود، خود را نگران و در بحران جلوه نمی‌دهد. فوتبال ایران به روزگاری دچار است که تیمی با ۴ قهرمانی پی‌درپی به اوج بدهی‌ها می‌رسد و ورزشکسته می‌شود. این فوتبال بیمار است، آنچنان سخت که این حال و روز تیم قهرمان است، نه قهرمان این فصل، بلکه قهرمان در ۴ فصل بی‌درپی و تنها تیم دهه اخیر که به فینال لیگ قهرمانان آسیا رسیده است. کسی نمی‌داند در فوتبال ایران باید چه فاجعه‌ای رخ

شاید خیلی از ما این جمله را به کرات شنیده باشیم: «پول بیت‌المال در این فوتبال هدر می‌شود.» این جمله، نگرش حاکم در زمینه اقتصاد ورزشی را به خوبی منعکس می‌کند؛ نگرشی که در آن پشتوانه‌های درآمدزایی مالی فوتبال (و ورزش‌های دیگر) نادیده گرفته می‌شوند و ورزش یک وابسته اقتصادی به نهادهای قدرت برشمرده می‌شود. در اینکه این دیدگاه در فضای کنونی فوتبال حرفه‌ای منسوخ است شکی نیست. محرومیت باشگاه‌ها از حق پخش و حق بلیت فروشی و فروش پیراهن و مانند این‌ها را می‌دانیم و بارها بابت آن‌ها گله کرده‌ایم. اما کمتر در مورد پاداشی که به تیم‌های لیگ برتری بر حسب رتبه آنان تعلق نمی‌گیرد، خوانده‌ایم.

اهمیت بحث پاداش‌های لیگ را با این سؤال واضح مطرح می‌کنیم: «نساجی چه انگیزه‌ای دارد تا برای شکست دادن فولاد بجنگد و رتبه نهمی خود در لیگ را با هشتمی عوض کند؟» می‌دانیم نساجی نه قرار است سهمیه بگیرد و نه در معرض سقوط به دسته یک قرار دارد. با این وجود، اگر دلیلی برای گذاشتن تمام توان خود در قائمشهر نداشته باشد، در رقابت تنگاتنگ سهمیه یک قدم سرنوشت‌ساز ناعادلانه برداشته می‌شود.

اگر برای مثال چنین پرسشی را در مورد کریستال پالاس مطرح کنید، پاسخ روشنی می‌گیرید: «عقاب‌ها اگر بتوانند جای نیوکاسل را در پله سیزدهم بگیرند، ۱/۹ میلیون پوند سود می‌کنند؛ چیزی بیش از

۵۲ میلیارد تومان به پول ایران. این مبلغ، تفاوت پاداش مستقیمی است که به تیم دوازدهم لیگ برتر انگلیس (نسبت به تیم سیزدهم) می‌رسد. در کنار این پول هنگفت، حق پخش را که به تیم‌های بالاتر لیگ بیشتر تعلق می‌گیرد، در نظر نگرفته‌ایم. طراحی چنین ساز و کاری برای تخصیص پاداش‌هایی که حق باشگاه‌های داخلی است به آن‌ها کار دشواری نیست. تنها کافی است سازمان لیگ با اسپانسرهای مشتاق به همکاری قرارداد‌های منفعت‌آمیز امضا کند و پول حاصله را به جای جیب خود، به جیب باشگاه‌ها حواله کند. آن موقع است که رقابت بر سر این پاداش‌ها، هم به سود باشگاه‌هاست، هم برند سازمان لیگ را تقویت می‌کند و هم جذابیت فوتبال داخلی برای مخاطبان‌ش را چند برابر می‌سازد. افسوس که مسئولین فوتبال ما از خواستن و توانستن انجام این دو کار ساده نیز بر نمی‌آیند. فوتبال ما به همین سادگی از مبانی اقتصاد ورزشی فاصله می‌گیرد. پرسپولیس ۴ سال است که انبوهی از هزینه‌ها را صرف ۴ قهرمانی در لیگ به ارزش مادی مجموعاً صفر ریال کرده و حال با کوهی از بدهی‌های فصول جاری و گذشته گلاویز است؛ در حالی که الهلال عربستان با هر قهرمانی در لیگ سعودی، یک میلیون دلار پاداش مستقیم عایدش می‌شود. همین مقایسه نشان می‌دهد که چرا باشگاه‌های بزرگ ما باید در پرداخت حقوق سال به سال به مشکلات بیشتری بخورند و هواداران‌شان همواره با مجهز شدن رقبای‌شان افسوس بخورند.